

## سنجش حس تعلق مکانی و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در الگوهای بدنه شهری «مطالعه موردی: ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل»

روح اله رحیمی\*، سید محسن موسوی\*\*، نسرین محمدی ایرلو\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

### چکیده

بدنه‌های شهری و ابعاد اجتماعی، فرهنگی آنها نقش مؤثری در ایجاد حس تعلق مکانی در شهروندان دارد. شناسایی الگوهای بدنه‌های شهری یکپارچه و هماهنگ بر ادراک مخاطبان در جهت ایجاد حیات اجتماعی، تعاملات اجتماعی و هویت مکانی مؤثر است. هدف پژوهش، بررسی تأثیر بدنه‌های شهری بر ایجاد حس تعلق شهروندان و تعیین راهکارهای برای طراحی بدنه شهری مؤثر بر حس تعلق به مکان است. به همین جهت ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل، اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین خیابان این شهر مورد مطالعه قرار گرفته است. روش پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی - پیمایشی بوده و به روش کمی انجام پذیرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و روش‌های پیمایش میدانی، مشاهده و پرسش‌نامه استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان حس تعلق به مکان در شهروندان تحت تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی - ادراکی بدنه شهری است؛ که می‌توان با هماهنگی مغازه‌ها، مبلمان مناسب، احیای بناهای تخریب‌شده، تناسب در رنگ، تناسب در خط آسمان، نماسازی مطلوب و پوشش گیاهی مناسب احساس رضایت‌مندی و حس تعلق به مکان در شهروندان را افزایش داد. نتیجه پژوهش در مطالعه موردی نشان می‌دهد که قدمت بالا، دسترسی مناسب و برگزاری آیین‌های ملی - مذهبی سبب ایجاد حس تعلق به مکان شده است. همچنین ساختارهای آشنا با فرهنگ و هویت شهروندان سبب ایجاد حس تعلق به مکان می‌شود. استفاده از جداره‌های شهری مرتبط با هویت و فرهنگ تاریخی و بومی برای آیین‌های ملی مذهبی می‌تواند مردم را به حضور در خیابان تشویق کند و سبب ایجاد خاطره و تصویر ذهنی برای آنها و به تبع آن باعث افزایش حس تعلق مکانی شود.

واژگان کلیدی: حس تعلق مکانی، بدنه شهری، عوامل کالبدی و اجتماعی، خیابان امام خمینی اردبیل.

## مقدمه

بدنه‌های شهری از عناصر تأثیرگذار بر کیفیت فضاهای شهری محسوب می‌گردند که اصلاح آنها می‌تواند به بالارفتن کیفیت منظر عینی شهر منجر شود. همچنین شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، سبب تقویت تصویر ذهنی جامعه از شهر و تقویت غرور مدنی می‌شود و توان رقابتی آن را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و اقبال خلاق تقویت کند (Gospodini, 2002: 59-73). نقشه‌های ذهنی نمودی از آگاهی، تصویری از یک مکان و یا یک محیط است که به‌عنوان نماینده سازمان‌یافته از واقعیت در ذهن افراد بسط‌یافته و به‌عنوان نتیجه اطلاعاتی که دریافت شده، در ذهن محفوظ و قابل تفسیر است. نقشه‌های ذهنی به نوبه خود بر روی تصمیم‌گیری و انتخاب فردی تأثیر می‌گذارد و در نهایت رفتار شخص را تعیین می‌کند (بهروز، ۱۳۷۰: ۳۱-۷۱). خرده‌فرهنگ‌ها، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام جامعه به قراردادهای اجتماعی و غیره از طریق نظامی از «نشانه‌ها» امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت و منفی را میسر می‌سازد (گلکار، ۱۳۸۵: ۳۸-۴۷). اگر طراحی شهری بتواند محیطی را فراهم آورد که حضور مردم را در فضا افزایش دهد، به تدریج زندگی به فضای شهری باز می‌گردد (Ghaffari, 2014: 61). نمونه مورد مطالعه بدنه ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل، (حدفاصل شریعتی تا چهارراه امام خمینی) است. این خیابان اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین خیابان شهر اردبیل هست. با توجه به اهمیت این خیابان از گذشته تا به امروز و تأثیری که روی کیفیت شهر دارد، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه در ایجاد الگوی حس تعلق انتخاب شده است. هدف از این پژوهش شناسایی و خوانش معیارهای طراحی

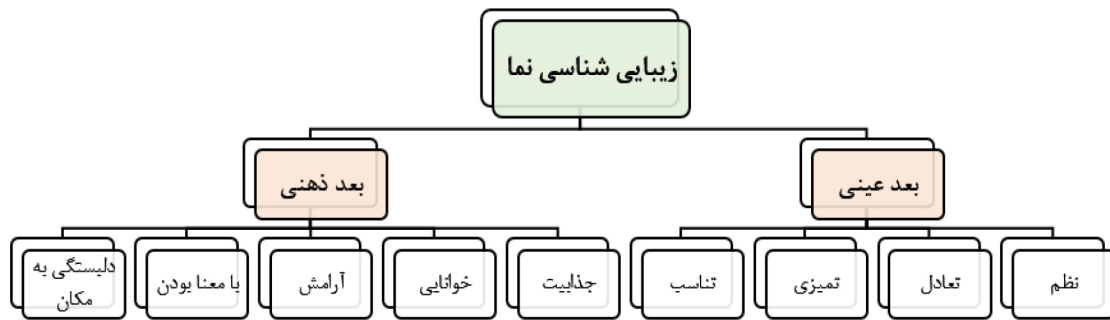
جداره شهری با رویکرد حس تعلق مکانی شهروندان و همچنین تعیین عوامل مؤثر در خوانش حس تعلق مکانی در الگوهای بدنه شهری است که موجب رونق فضاهای شهری است. این پژوهش به بررسی تأثیر بدنه‌های شهری بر ایجاد حس تعلق شهروندان و الگوهای بدنه شهری مؤثر بر حس تعلق به مکان می‌پردازد. همچنین به دنبال پاسخ به این سؤالات است که چگونه بدنه‌های شهری بر ایجاد حس تعلق مکانی شهروندان اثر می‌گذارد؟ و چه راهکارهایی برای طراحی بدنه‌های شهری در راستای رسیدن به حس تعلق مؤثر می‌باشد؟

## پیشینه

ارزش‌های فردی و جمعی بر کیفیت حس مکان تأثیر می‌گذارد. حس مکان، به نوبه خود، بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتارهای فردی و اجتماعی افراد در مکان مؤثر می‌باشد (Rahimi & Ansari, 2020). آنچه در محیط مصنوع موجب تأثیرگذاری بر ذهنیت و روان شهروندان می‌شود، نما و جداره ساختمان‌ها است. به عبارتی کالبد ساختمان‌ها تعیین‌کننده کیفیت محیط هستند. در این میان سبک معماری، رنگ مصالح، فرم و نحوه طراحی ساختمان بیشترین میزان تأثیرگذاری را بر ذهنیت روان شهروندان دارد (Utaberta, Jalali, Johar, 2012). نمای ساختمان بخشی تأثیرگذار بر کیفیت بصری و زیبایی‌شناسی است، بین کیفیت‌های بصری-زیبایی شناختی و ترجیحات کالبدی مردم با عملکردهای مورد انتظار، همبستگی مثبت وجود دارد (Jennath & Nidhish, 2016). یکی از مسائل در حوزه زیبایی‌شناسی بدنه‌های شهری، شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر زیبایی در ذهنیت افراد است. در بعد زیبایی‌شناسی از دیدگاه متخصصان، شاخص‌های تناسبات، تمیزی، تعادل و نظم در بعد عینی و دل‌بستگی

بر حس تعلق به مکان ایجاد می‌کند (دانش‌پور و صفارسبزواری، ۱۳۹۷). جداره‌های شهری نیاز به اصول نظم، وحدت، تعادل، تناسب، مقیاس، هماهنگی، ریتم، پیوستگی و تداوم دارند. قرارگیری همه این عناصر در کنار یکدیگر در بالا رفتن کیفیت منظر عینی مجموعه شهری تأثیرگذار است. طراحان می‌توانند با ارائه الگوهای بومی و اقلیمی به منظور افزایش ارکان زیبایی‌شناسی و کیفی، جداره‌های خوانا و مفهومی را طراحی و اجرا و به تأیید تصمیم‌گیران برسانند (غضنفری و آرزو، ۱۳۹۷).

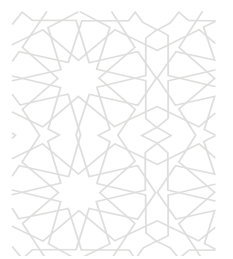
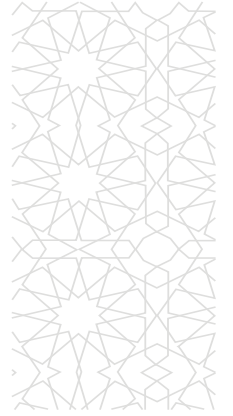
به مکان، بامعنا بودن، آرامش، خوانایی و جذابیت نیز در بعد ذهنی، در اولویت ارزشیابی زیبایی نما قرار دارند (نمودار ۱) (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین زمینه تاریخی و کالبدی بنا، فرم ساختمان، بازشوها، خطوط نما، مصالح نما، عناصر الحاقی به نماها و تزئینات به کار گرفته‌شده، در القای زیبایی نماهای خیابانی تأثیر زیادی دارند (اشرف‌نهند، خداوردی جعفری، ۱۳۹۷). در این میان مؤلفه‌های کالبدی تنوع و جذابیت، شخصیت کالبدی منحصر به فرد و دید و منظر نسبت به سایر عوامل کالبدی تأثیرگذاری بیشتری



نمودار ۱. زیبایی‌شناسی از دیدگاه مردم و متخصصین (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۳)

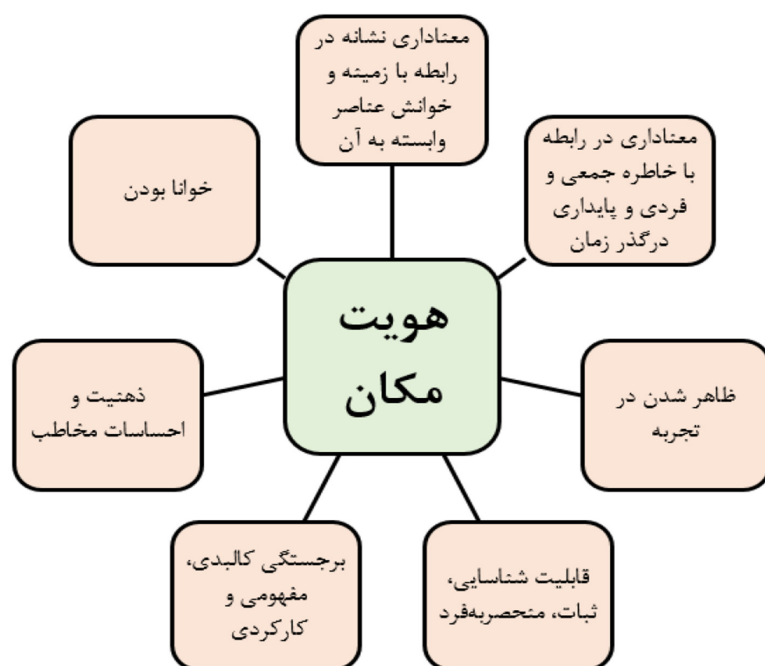
از نمای شهری انتظار می‌رود که واجد ویژگی‌های عملکردی، بصری و ادراکی باشد و همچنین مقوله ادراک در این میان بسیار اهمیت دارد؛ چراکه طراحی شهری برای مردم و با مردم است. به این معنی که باید طراحی فضاها به شیوه‌ای باشد که برای استفاده‌کنندگان و ناظران فضا قابل درک باشد، در غیر این صورت این فضا موفق و مطلوب استفاده‌کنندگان نیست (محمدی و کریمی مشاور، ۱۳۹۵). بین فعالیت‌های اجتماعی در بعد انتخابی و حس مکان رابطه مستقیمی وجود دارد و بین فعالیت اجباری رابطه‌ای معکوس. همچنین به نظر می‌رسد ممکن است در ابتدا یک فعالیت اجباری باشد، برای مثال فردی می‌تواند

جداره‌های ساخته شده در کنار جداره‌های قدیمی باید چکیده و خلاصه فضای کالبدی-فرهنگی و شکل‌گرفته‌ی گذشته باشد که توان ایجاد حس تعلق خاطر در ساکنان جدید را داشته باشد. مؤلفه‌های کالبدی به‌عنوان عناصر اصلی تشکیل‌دهنده شهر، عموماً تحت تأثیر نیازهای مختلف شکل می‌گیرند؛ اما همواره باید در نظر داشت که اغتشاش و آشفتگی، نبود هماهنگی، دوگانگی‌ها، ناهمگونی و سردرگمی‌ها و تعدد و تضاد در بدنه‌ها باعث ایجاد استرس و عدم آرامش در شهر می‌شوند. لازم به ذکر است که محیط شهری ارتباط مستقیمی با شخصیت افراد دارد و می‌تواند سبب شادی، ناراحتی و تغییر رفتار شود (شاهدی و اعتضادی، ۱۴۰۰).



فعالیت‌های انتخابی و یا اجتماعی، سوق دهد (ضابطیان و خیرالدین، ۱۳۹۷).

بخشی از فعالیت‌های خود را در حین انجام فعالیت اجباری و اهداف مربوطه، به‌سوی



نمودار ۲. پدیدارشناسی هویت مکان در ارتباط با نشانه‌های شهری (سخاوت دوست و البرزی، ۱۳۹۹)

عنوان شده‌اند. همچنین مؤثرترین ویژگی‌های نشانه در ارتباط با هویت فضا، معنای نشانه در رابطه با زمینه، ظاهر شدن در تجربه، ذهنیت و احساسات مخاطبان و خوانایی است (سخاوت دوست و البرزی، ۱۳۹۹).

بر اساس پیشینه پژوهش، سبک معماری، رنگ مصالح، فرم و نحوه طراحی ساختمان بر ذهنیت شهروندان تأثیر می‌گذارد. همچنین فرم ساختمان، بازسوها، خطوط نما، مصالح نما، عناصر الحاقی به نماها، تزئینات به‌کارگرفته‌شده، تناسب، تمیزی، تعادل، نظم، دل‌بستگی به مکان، معناداری، آرامش، خوانایی و جذابیت عامل ایجاد کننده زیبایی هستند و در نهایت مشخص شد بین کیفیت‌های بصری و شاخصه زیبایی‌شناختی با عملکردهای مورد انتظار همبستگی مثبت وجود دارد. به‌طور کلی در پژوهش‌های انجام شده به بعد اجتماعی

پدیدارشناسی هویت مکان در ارتباط با نشانه‌های شهری تحت تأثیر عواملی چون معناداری نشانه در رابطه با زمینه و خوانش عناصر وابسته به آن، معناداری در رابطه با خاطره جمعی و فردی و پایداری در گذر زمان، ظاهر شدن در تجربه، ذهنیت و احساسات مخاطب، برجستگی کالبدی، مفهومی و کارکردی و در نهایت قابلیت شناسایی، ثبات، منحصر به فرد و خوانا بودن هست. (نمودار ۲) در بررسی پدیدارشناسانه موضوع هویت، توجه به ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، فعالیت سرزندگی و تعلق، تعامل و ارتباط با زندگی شهروندان و منحصر به فرد بودن فضا از جمله مؤلفه‌های بااهمیت شناخته‌شده و در خوانش نشانه‌های شهری نیز مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ارتباط با اهمیت زمینه و متن قرارگیری، مفاهیم معنادار عینی و ذهنی و ارتباط معنادار نشانه‌ها در تعامل با یکدیگر

ضروری می‌دانند. به‌طورکلی می‌توان به دودسته بندی تعلق اجتماعی و تعلق کالبدی به مکان اشاره کرد.

### تعلق اجتماعی

این‌گونه از تعلق که عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد، بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر گونه‌ای از تعلق، ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارا می‌باشد که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می‌پردازد (کاشانی جو، ۱۳۸۹). گسترش شهرنشینی و شکل‌گیری نیازهای جدید، برنامه‌ریزی را از نگاهی فیزیکی-کالبدی به سمت توجه بر جنبه‌های اجتماعی زندگی شهری معطوف نموده است. کیفیت، تنوع، امنیت و ایجاد زمینه در فضا، به نوعی انگیزه حضور و پیوندهای ارتباطی برای ایجاد تعاملات اجتماعی است (ابراهیم نیا و همکاران، ۱۴۰۱). نیاز انسان به تعامل عاطفی، شناختی و رفتاری با مکانی که در آن زندگی می‌کند از جمله مهمترین ابعاد رابطه انسان و مکان است (رحیمی و رازانی، ۱۴۰۱). لاسون در کتاب معروف خود با عنوان «زبان فضا» قوانین اجتماعی محیط را به‌عنوان قوانین نانوشته ضوابط طراحی معرفی می‌کند که این قوانین از فرهنگ و تعاملات اجتماعی نشأت می‌گیرد (Lawson, 2001).

گیفورد در پژوهش خود و با هدف شناسایی تفاوت‌های مدنظر معماران و استفاده‌کنندگان از محیط، یکی از مهم‌ترین عوامل موجود در محیط را عدم توجه به بعد اجتماعی محیط از سوی طراحان و تنها توجه به عناصر کالبدی و شاخص‌های فرمی، فارغ از عوامل معنایی معرفی کرده است. با شفاف نمودن این اختلاف، بر ضرورت تجدیدنظر و شناسایی تفاوت معنایی بین طراحان و استفاده‌کنندگان در محیط‌های شهری تأکید می‌کند (Gifford, 2002).

بیشتر توجه شده است و بعد اجتماعی و کالبدی به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در این پژوهش به بررسی حس تعلق مکانی به‌صورت توأمان در دو بعد اجتماعی و کالبدی در الگوهای بدنه شهری خیابان امام خمینی اردبیل پرداخته می‌شود.

### مبانی نظری

#### ابعاد مختلف حس تعلق

پژوهش‌های دانشگاهی اخیر بر هویت مکان و دلبستگی به مکان متمرکز است (Boley, 2021; Proshansky, 1978). با اشاره به تعریف اصلی هویت مکان به‌عنوان سطحی که شخص با ویژگی‌های فیزیکی محیط ارتباط دارد یا خواستار آن است (Peng et al., 2020). این با دلبستگی مکانی که نشان‌دهنده ارتباط و وابستگی عاطفی فرد با یک مکان خاص می‌باشد، متفاوت است. (Daryanto & Song, 2021; Corbett et al., 2022). اکثر نویسندگان موافقند که حس تعلق به مکان به‌صورت یک ساختار مبهم و ضعیف عملیاتی شده است (Gillespie et al., 2022). آنچه در متون پژوهشی صورت گرفته در مورد ابعاد حس تعلق به مکان ارائه می‌شود، عمدتاً مبتنی بر تعریف مکان به‌عنوان محیط اجتماعی است، از این‌رو تعلق به مکان نیز عمدتاً تعلق به محیط‌های اجتماعی تعبیر و تفسیر می‌شود. برخی از محققین نظیر «آلمن و لو» با تأکید بر نقش اجتماعی مکان، به تعاملات و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی-عنی گونه‌ای از تعلق به خاطر مردم (استفاده‌کنندگان)- تعبیر و تفسیر نموده‌اند (آلمن، ۱۳۸۲). با این حال، محققین دیگری نیز بر نقش عناصر کالبدی به‌عنوان عامل مهم دیگر در شکل‌گیری حس تعلق تأکید داشته و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرایند ایجاد حس تعلق

## عوامل اجتماعی شکل دهنده حس تعلق

متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری حس تعلق دارد. چند تن از محققین همچون راپاپورت، پروشانسکی، ریجر و الواراکاس در پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تأکید نموده، اما اشاره داشته‌اند که آنچه محیط کالبدی را به‌عنوان بستر تعامل اجتماعی بیان می‌کند، در اصل نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک اجتماعی و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. در این مرتبه از حس تعلق، محیط به‌عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را بر اساس ادراک و نظام ساختار شناختی خود کشف، تفسیر و تعبیر می‌کنند در اصطلاح انسان‌ها به‌صورت جمعی از محیط رمزگشایی می‌کنند. در این دسته از عوامل، عناصر کالبدی نظیر فرم‌ها شامل اشکال، بافت و رنگ منبعث از لایه‌های اجتماعی محیط نقش ارتباطی با استفاده‌کنندگان ایفاء می‌نمایند که هر یک بر اساس داده‌های فرهنگی در طول تاریخ معماری محیط، به‌دست آمده و حاوی معنای خاص خود هستند (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰).

## تعلق کالبدی به مکان

این نوع از تعلق به‌عنوان بخشی از فرایند شناخت و شکل‌گیری هویت انسانی برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان است. ریجر و الواراکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی مکان در روحيات انسانی اشاره می‌کند و از آن با عنوان ریشه‌داری یاد می‌نماید. براین اساس محیط با عناصر کالبدی موجود در مکان در ایجاد معنای تعلق و با تصاویر و نشانه‌های مانده در خاطر فرد محیط را به‌خاطر می‌سپارد.

علاوه بر آنها، تیلور در بررسی خود از فضاهای عمومی واحدهای همسایگی، از عناصر کالبدی، به‌عنوان تعامل کالبدی (تعلق کالبدی به مکان) یاد می‌نماید. همچنین پروشانسکی مفهوم هویت مکانی به آن دسته از ابعاد خویشتن اشاره دارد که هویت فردی اشخاص را در رابطه با محیط فیزیکی‌شان تعریف می‌کند (proshansky et al, 1983). واژه هویت دو معنی می‌دهد: اول همسانی و دوم تمایز؛ بنابراین هویت مکانی باید هر دو جنبه را با هم ترکیب کند. در هویت مکانی، مکان وسیله‌ای است که فرد خودش را از دیگران (افراد خارج از مکان) متمایز می‌سازد و نیز حس همسانی خود را با افراد داخل مکان حفظ می‌کند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸). تصویر مکان واضح‌ترین مفهوم ارائه شده در رابطه انسان و محیط است. تصویر مکان همچون نمایش لحظه‌ای از رویدادهای رخ داده در مکان است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

## عوامل محیطی - کالبدی شکل دهنده حس تعلق

این دسته از عوامل بر اساس نظریه مکان-رفتار در روان‌شناسی محیطی، به دسته‌بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازد. فعالیت‌های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسان‌ها تعریف می‌کنند. کالبد به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء به‌عنوان مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط است. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به‌عنوان ویژگی‌های فرم هر یک نقش مؤثر در شکل‌گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزاء کالبدی نیز

پرداخته‌اند (جدول ۱). در طراحی، هریک از متغیرهای رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی بر اساس نیازهای انسانی و تأمین نوع فعالیت‌های موردنظر در فضاها از اهمیت خاص برخوردار می‌شوند که بیانگر قابلیت محیطی است که فرم عملکرد را شکوفا می‌کند (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰).

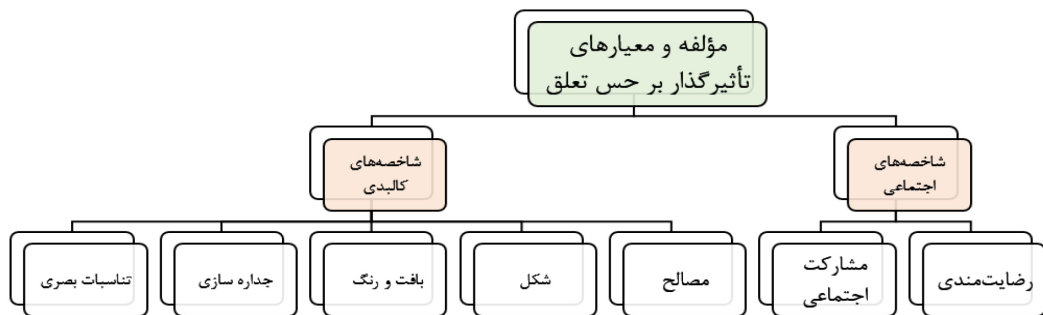
عامل مؤثر دیگر می‌باشد. از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم‌سازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق مؤثر می‌باشند. صاحب نظرانی همچون شولتز، لینچ، راپاپورت، الکساندر و بنتلی و همکاران به نقش عوامل کالبدی و محیطی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان

جدول ۱: نظرات اندیشمندان در رابطه با عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان

صاحب نظران	تعاریف	مؤلفه مؤثر بر حس تعلق
کوین لینچ ۱۹۶۰	حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد. فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یادماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد.	تمایز بودن، سادگی فرم، استمرار، تسلط و غلبه داشتن، روشنی نقاط تقاطع، تنوعی که جهت خاصی را معلوم دارد، عرصه‌ی دید، آگاهی بر حرکت، عوامل گروهی زمانی
نوربرگ شولتز ۱۹۷۵-۱۹۹۷	حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است.	محصور بودن، مرز و قلمرو، مرکزیت، تنوع در عین وحدت، تراکم، تداوم، مقیاس انسانی
ایروین آلتمن ۱۹۹۲	دلبستگی به مکان نیروی گرانش مؤثر میان مردم و مکان است	انعطاف‌پذیری، مقیاس، تعیین قلمرو و اختصاصی بودن و قابل دسترس بودن.
ادوارد رلف ۱۹۷۶	یک درک و فهم عمیق از موقعیت و جایگاه خودمان در برابر دیگر چیزها و داشتن یک پیوستگی پرمعنای روحی و روانی به جایی خاص	مرز و قلمرو، عناصر تحریک‌کننده (محرک بینایی، شنوایی، بویایی، حرکت و لامسه)
راپاپورت ۱۹۸۲-۱۹۷۷	تعریف مناسب فضا، در ایجاد انگیزه برای حضور افراد در فضا، مراجعه مکرر و نیز تمایل به برقراری روابط اجتماعی با سایر کاربران فضا مؤثر است. فضای شهری به مثابه یک محیط ساخته شده می‌تواند بر روابط اجتماعی اثرگذار بوده و آن را تسهیل کرده یا مانع شود و به نوبه خود از آن متأثر گردد	نمادها و سمبل‌های فرهنگی - اجتماعی کالبدی، مبلمان شهری - سازمان مفهومی محیط - سازمان ارتباطی محیط - سازمان فضایی محیط.
بنتلی و همکاران ۱۹۷۶	فضاهایی می‌توانند در ایجاد حس تعلق مؤثر باشند که مؤلفه‌های نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تنوع بصری، غنای حسی و رنگ تعلق را در خود داشته باشد. بدون وجود این مؤلفه‌ها نمی‌توان حس تعلق در محیط ایجاد کرد	نفوذپذیری (دسترسی)، گوناگونی (تنوع کاربری‌ها)، خوانایی (در فرم و عملکرد)، انعطاف‌پذیری، تنوع بصری، غنای حسی و رنگ تعلق به عنوان عوامل کالبدی در ایجاد یک مکان و محیط ایده‌آل و پاسخگو به مردم کمک می‌کند

و شاخصه‌های کالبدی است که در نمودار ۳ به زیرشاخه‌های آنها نیز اشاره شده است.

بر اساس ادبیات پژوهش دو معیار اصلی تأثیرگذار بر حس تعلق شامل شاخصه اجتماعی



نمودار ۳. نمودار عوامل تشکیل دهنده حس تعلق

## سطح‌بندی حس مکان بر پایه نظریه شامای

شامای<sup>۱</sup> برای حس مکان سه مرحله اصلی ۱- تعلق به مکان ۲- دل‌بستگی به مکان ۳- تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح از حس مکان، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را به ترتیب شامل: بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دل‌بستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان و فداکاری برای مکان، می‌شود (Shamai, 1991).

بنا بر گفته رلف، دو سطح اولیه مورد اشاره شامای، سطوح ادراکی و شناختی فرد نسبت به محیط است. از سطح ۳ به بعد، ابعاد احساسی فرد نسبت به مکان را شامل می‌شود. رلف بیان می‌کند، عمیق‌ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه شکل می‌گیرد. ناآگاهانه بودن حس تعلق زمانی خود را نشان می‌دهد که فقدان یا جدایی فرد و مکان اتفاق بیفتد. حس تعلق دارای طیف وسیعی از بی‌مکانی تا تعلق و هم‌ذات‌پنداری شدید با مکان است (Relph, 1976).

### بدنه شهری

فضای شهری توسط عناصر محدودکننده و مستقر در آن قابل شناسایی است و شخصیت آن تابع چگونگی و نظم حاکم بین این عناصر است. اجزاء کالبدی منظر فضای شهری عبارت‌اند از کف، بدنه، سقف و عناصر مستقر در فضا. بدنه فضای شهری دارای سهم بسزایی در قرائت مخاطب از شهر و تأثیرگذاری بر شهروندان است (پاکزاد، ۱۳۸۵). نمای ساختمان‌ها بخش عمده‌ای از منظر عینی شهر را تشکیل می‌دهد. به مجموع نمای

ساختمان‌ها در مجاورت یکدیگر بدنه گفته می‌شود. کالبد فیزیکی منظر یا نمای شهری از سه موضوع جداره، بام و زمین تشکیل شده است. فضای شهری به طور معمول توسط تعدادی توده ساختمانی محدود تعریف شده‌اند که دارای حجم و سطح قابل‌رؤیت از فضای عمومی می‌باشند. بدنه‌ها، عناصر عمودی محدودکننده فضا هستند. بدنه‌ها یک سطح بسته یا احجامی از بناها می‌باشند. فصل مشترک سطح بدنه با آسمان، خط آسمان و محل برخورد جداره با کف، مسیر خط زمین نامیده می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵). همچنین بدنه‌ها همواره یک سطح بسته یا وجهی از یک بنا نیست؛ بدنه ممکن است یک سطح عمودی بدون بازشو باشد، یک سطح عمودی با تعدادی بازشو باشد؛ و یا تنها یک‌سری عناصر عمودی (ستون یا درخت) یعنی سطح شفاف با امکان ارتباط (بصری) چه ارتباط فضایی امکان‌پذیر باشد، چه نباشد)، باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰).

### مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده جداره‌های شهری

توسلی در بررسی شکل شناختی نماهای شهری به دو جنبه اساسی ارکان و اجزا اشاره می‌کند.

ارکان عبارت‌اند از: (۱) ریتم‌های عمودی؛ (۲) ریتم‌های افقی؛ (۳) خط آسمان. و اجزاء عبارت‌اند از: (۱) ورودی، (۲) پنجره‌ها، (۳) جزئیات نما در طبقات (توسلی، ۱۳۷۶). دسته‌بندی اخیر، دسته‌بندی مطلوبی به نظر می‌رسد و معرفی دو قسمت ارکان و اجزاء از محاسن آن به شمار می‌رود و در تکمیل آن می‌توان اجزای نما را کامل‌تر نمود و تقسیم‌بندی زیر را ارائه داد:

- (۱) ورودی‌ها؛
- (۲) پنجره‌ها که خود شامل شکل قاب، بخش‌بندی قاب می‌شود؛
- (۳) سطوح پر و خالی؛



۴) سبک ازاره؛

۵) لبه بام یا خط آسمان؛

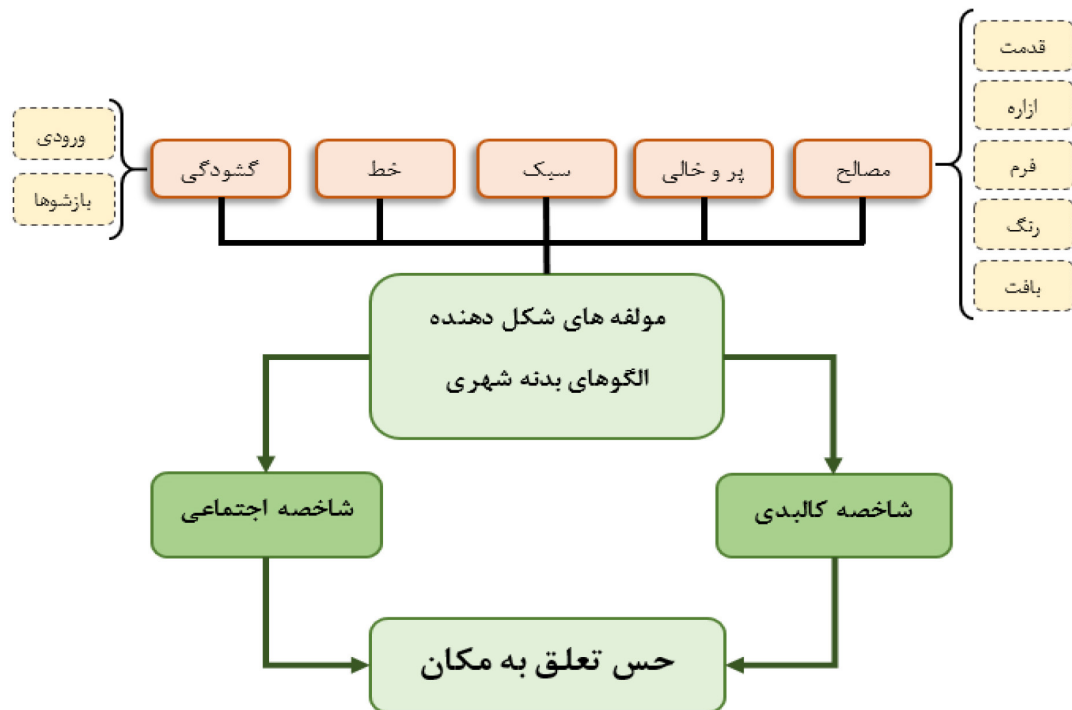
۶) مصالح نماها؛

۷) تزئینات طبقه اول، لبه بام، دور پنجره‌ها و درب‌ها

۸) جزئیاتی همچون بالکن‌ها، ستون‌ها و ستونچه‌ها، پله‌ها

همواره محیط شامل اطلاعات، هویت و نشانه‌های مشترک اجتماعی، فرهنگی است که افراد با درک آن با محیط ارتباط برقرار کرده و به تعامل می‌رسند که این

تعامل در راستای ایجاد حس تعلق به مکان صورت می‌گیرد. ابعاد اجتماعی و کالبدی یکی از اجزای تشکیل‌دهنده یک جداره شهری هستند و ارتباط مستقیم با هویت و حس تعلق شهروندان دارد. باتوجه به مبانی نظری مطرح‌شده مؤلفه‌های کالبدی با زیرشاخه‌های (رنگ، شکل، مصالح، بافت، تناسبات)، و شاخصه‌های اجتماعی با زیرشاخه‌های (رضایت‌مندی و مشارکت) در ایجاد حس تعلق به مکان تأثیرگذار است. (نمودار ۴)



نمودار ۴: نمودار مفهومی رابطه حس تعلق با بدنه شهری

## روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی-پیمایشی بوده و با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و همچنین با استفاده از روش‌های پیمایشی و میدانی، محدوده پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت.

برای بررسی نقشه‌های ذهنی، توصیف حس تعلق در این محدوده از نگاه شهروندان، بررسی رابطه‌ی بین الگوهای طراحی بدنه‌های شهری و تأثیر آن در راستای رسیدن به حس

تعلق از روش پیمایشی استفاده شده است. محدوده پژوهش ضلع غربی خیابان امام اردبیل است که به‌منظور گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ی محقق ساختی تهیه شد که شامل ۴۹ سؤال است. ابتدا برای تکمیل پرسشنامه‌ها، حجم جامعه آماری و اندازه نمونه تعیین شد. در پژوهش حاضر جامعه آماری شامل افرادی است که خیابان امام اردبیل تردد دارند. می‌توان گفت آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد

در واقع جامعه آماری این تحقیق نامحدود است و برای پژوهش حاضر ۳ برابر تعداد پرسشنامه توزیع شده؛ زیرا مراجعه کنندگان به این خیابان شامل افراد از مناطق مختلف شهر اردبیل می باشند. به همین دلیل جامعه آماری این تحقیق را نمی توان به تعدادی محدودی از جمعیت که در یک ناحیه مشخص از شهر

سکونت دارند نسبت داد.

در این پژوهش از روش آلفای کرونباخ که در بیشتر پژوهش ها مبنای سنجش پایایی قرار می گیرد، استفاده شده است. در جدول ۲ پایایی پرسش نامه براساس ضریب آلفای کرونباخ تأیید می شود.

جدول ۲. ضریب آلفای کرون باخ در نمونه نهایی

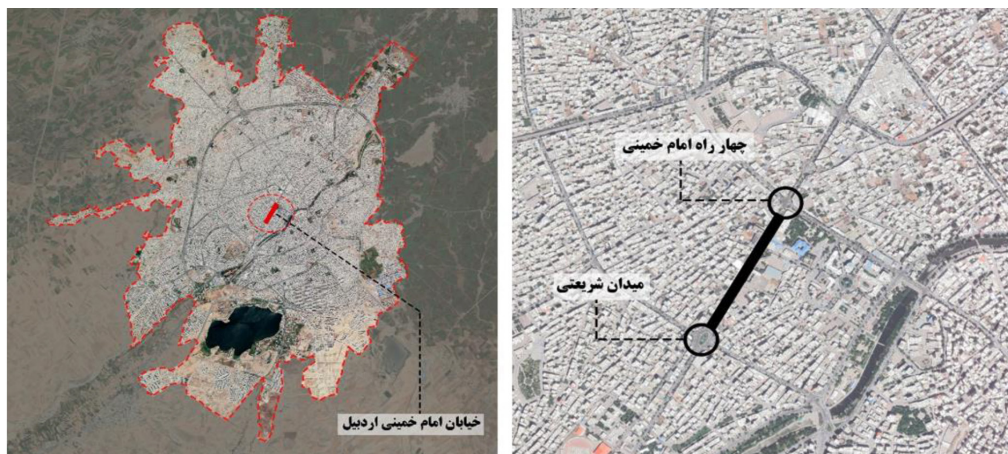
ضریب آلفا	تعداد سؤالات	شاخصه ها
۰/۹۸۳	۴۹	کل سؤالات
۰/۹۰۲	۱۳	شاخص اجتماعی
۰/۸۱۷	۸	رضایت مندی
۰/۸۹۱	۵	مشارکت اجتماعی
۰/۹۸	۳۶	شاخصه کالبدی
۰/۸۵۷	۵	شکل
۰/۸۸۲	۴	تناسبات بصری
۰/۹۴۲	۱۳	جدارسازی
۰/۹۱۶	۵	رنگ
۰/۹۰۷	۵	بافت
۰/۹۰۶	۴	مصالح

جمعیتی مورد مطالعه پژوهش حاضر، خیابان امام خمینی اردبیل (محدوده شریعی تا چهارراه امام خمینی) انتخاب شده است. این خیابان دارای گره ها و میدان های اصلی و مهم متعددی هست و همچنین در این محدوده نشانه های شهری مهمی از جمله بازار تاریخی استان (بازار قیصریه)، شاه باغی، سینما ایران و مصلا در اطراف خیابان موجود است که به غنای این خیابان افزوده است.

فرضیات پژوهش این گونه می باشد که مؤلفه های کالبدی و اجتماعی بدنه شهری بر نحوه ادراک مکان و به تبع آن بر ایجاد حس تعلق مکانی تأثیرگذار است. همچنین الگوهای بدنه شهری هماهنگ با هویت و فرهنگ معماری منطقه بر ارتقای حس تعلق مکانی در شهروندان تأثیرگذار هستند.

### محدوده مورد مطالعه

باتوجه به اهمیت حس تعلق در مکان های عمومی و ارائه راهکارهای طراحی در مکان های



تصویر ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه (ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل) (منبع: google earth)



تصویر ۲. جداره محدوده مورد مطالعه (ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل)  
تصویر ۳. بافت قدیمی محدوده مورد مطالعه (ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل)  
تصویر ۴. تصویر خط آسمان محدوده مورد مطالعه (ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل)

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی بررسی شده تا بتوان رابطه تأثیرگذاری مؤلفه‌ها بر یکدیگر و میزان این تأثیرگذاری را شناخت. سپس با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن، میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌ها بر حس تعلق را رتبه‌بندی کرد تا تأثیرگذارترین مؤلفه شناسایی شود. رتبه‌بندی کردن مؤلفه‌ها از طریق این آزمون باعث شناخت مؤلفه‌های قوی و ضعیف در این خیابان می‌شود. با تقویت مؤلفه‌های قوی و برطرف کردن نقاط ضعف مؤلفه‌های ضعیف می‌توان حس تعلق

در این خیابان را افزایش داد. قبل از تعیین نوع آزمون مورد استفاده به‌خصوص در آزمون‌های مقایسه‌ای لازم است از نرمال یا غیرنرمال بودن متغیرها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مطمئن شویم. در صورتی که متغیرها نرمال باشند، استفاده از آزمون‌های پارامتری و در صورتی که غیرنرمال باشند، از آزمون‌های معادل غیرپارامتری استفاده می‌شود. برای تعیین نرمال بودن متغیرها بایستی سطح معنی‌داری در آزمون کولموگروف در آزمون-اسمیرنوف بررسی شود. در صورتی که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ باشد، غیرنرمال است. با توجه به اینکه

سطح معناداری در تمام سؤال‌ها صفر و کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه تمامی داده‌ها غیرنرمال هستند.

باتوجه به توزیع غیرنرمال متغیرها برای تعیین همبستگی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بنا بر ضریب همبستگی اسپیرمن بین شاخص‌های اجتماعی و فیزیکی، رابطه همبستگی مستقیم و قوی وجود دارد (جدول ۳). متغیر اجتماعی شامل:

رضایت‌مندی و مشارکت اجتماعی و متغیر فیزیکی شامل رنگ، شکل، بافت، مصالح، جداره، تناسبات بصری هستند که در جدول شماره دو مشخص شده است.

احتمال مربوط به سطح معنی‌داری میان متغیرهای ذکر شده در همه موارد صفر است که از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار بین دو متغیر اجتماعی و فیزیکی در رابطه با خوانش حس تعلق وجود دارد.

جدول ۳. اسپیرمن بررسی رابطه شاخصه اجتماعی و فیزیکی بر خوانش حس تعلق مکانی شهروندان

نتیجه	سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	شاخصه‌های تأثیرگذار بر حس تعلق	
رابطه مستقیم و معنادار	≥ ۰/۰۵	۰/۷۱۳	مشارکت	رضایت‌مندی
		۰/۸۱۹	شکل	رنگ
		۰/۸۳۵	مصالح	رنگ
		۰/۷۱۹	جداره	رنگ
		۰/۷۴۲	تناسبات بصری	رنگ
		۰/۸۹۱	مصالح	شکل
		۰/۸۲۶	بافت	شکل
		۰/۸۵۹	جداره	شکل
		۰/۷۴۸	تناسبات	شکل
		۰/۸۸۱	بافت	مصالح
		۰/۸۲۴	جداره	مصالح
		۰/۷۸۳	تناسبات	مصالح
		۰/۷۶۲	جداره	بافت
		۰/۶۷۲	تناسبات	بافت
		۰/۸۲۹	تناسبات	جداره
		۰/۸۷۱		شاخصه فیزیکی

استان در طول مسیر می‌تواند به خوانش حس تعلق مکانی در این خیابان کمک کند. حضور شهروندان در فضاهای پیاده باعث بالارفتن حس مشارکت و تعاملات اجتماعی می‌شود عواملی مانند ایجاد مبلمان مناسب، ایجاد فضاهای پر و خالی تعریف شده در طول مسیر برای استراحت، ایجاد سایه برای نشیمن در افزایش مشارکت اجتماعی و ارتباط

با توجه به وجود رابطه همبستگی مستقیم بین دو مؤلفه‌ی تأثیرگذار (اجتماعی و فیزیکی) در خوانش حس تعلق مکانی خیابان امام اردبیل حاکی از آن است که وجود نماهای هماهنگ از نظر کالبدی، تناسبات بصری در طول مسیر - مبلمان شهری قوی‌تر - وجود مصالح بومی، فرم و شکل آشنا و همچنین ارائه الگوهای مرتبط با هویت و تاریخ

جداره، فضاهاى پرو خالى، خط آسمان، سبک معماری و گشودگی‌هاى جداره در خوانش حس تعلق مکانى مؤثر است.

بر اساس پاسخ‌هاى مصاحبه‌شونده‌ها و با استفاده از آزمون ناپارامترى فریدمن که سطح معنی‌دارى در این آزمون صفر شده و از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به جدول ۴ مشخص شد که شاخص‌ها به ترتیب جداره‌سازى، رضایت، شکل، تناسب، بافت، مشارکت، مصالح، رنگ در این رتبه‌بندى قرار مى‌گیرند.

شهروندان و الگوهاى هماهنگ با معماری بومی استان مى‌تواند خوانش حس تعلق مکانى افراد را افزایش دهد.

براین اساس با حذف عملکردهاى نامناسب این محدوده و بهبود کیفیت فضایی در جهت اصلاح نابسامانی‌هاى موجود در این خیابان و کیفی‌سازى جداره‌ها راهکارى مناسب برای افزایش حس تعلق مکانى است. استفاده از مناظر و عناصر به یادمانى و هویت‌بخش مانند بناهاى تاریخی، وجود فضای سبز، مصالح استفاده شده در این

جدول ۴. رتبه‌بندى فریدمن

مؤلفه‌هاى تأثیرگذار	رتبه‌بندى فریدمن	سطح معنادارى
جداره‌سازى	۵/۱۴	۰/۰۵ ≥
رضایت	۴/۹	
شکل	۴/۸۸	
تناسب	۴/۷	
بافت	۴/۵	
مشارکت	۴/۴۱	
مصالح	۳/۹۸	
رنگ	۳/۴۹	

دچار ناهماهنگی مى‌باشد و از لحاظ زیبایی و آرامش بصرى از کیفیت پایینى برخوردار مى‌باشد.

به استناد یافته‌هاى پژوهش میزان حس تعلق مکانى در شهروندان برگرفته از مؤلفه‌هاى اجتماعى ادراکى بدنه شهری است که مى‌توان در جداره محدوده مورد مطالعه (ضلع غربى خیابان امام خمینی اردبیل، حدفاصل شریعتى تا چهارراه امام خمینی) به دلیل اهمیت جداره‌سازى از نگاه شهروندان با هماهنگی مغازه‌ها، مبلمان مناسب، احیای بناهاى تخریب‌شده، تناسب در رنگ، تناسب در خط آسمان، نماسازى مطلوب و پوشش گیاهى مناسب باعث افزایش احساس رضایت‌مندی و حس تعلق شهروندان شد.

بر اساس آزمون فریدمن طبق جدول ۴ دسته‌بندى داده‌ها به این صورت است که شاخصه جداره‌سازى رتبه بالاترى را کسب کرده که دلایلى مثل کارکرد، آشنایی بیشتر شهروندان و دسترسی‌ها در این جداره که از قدمت بالایی دارد و مردم خاطره ذهنی زیادی از این جداره دارند، باعث رضایت‌مندی بیشتر نسبت به دیگر شاخصه‌ها شده است.

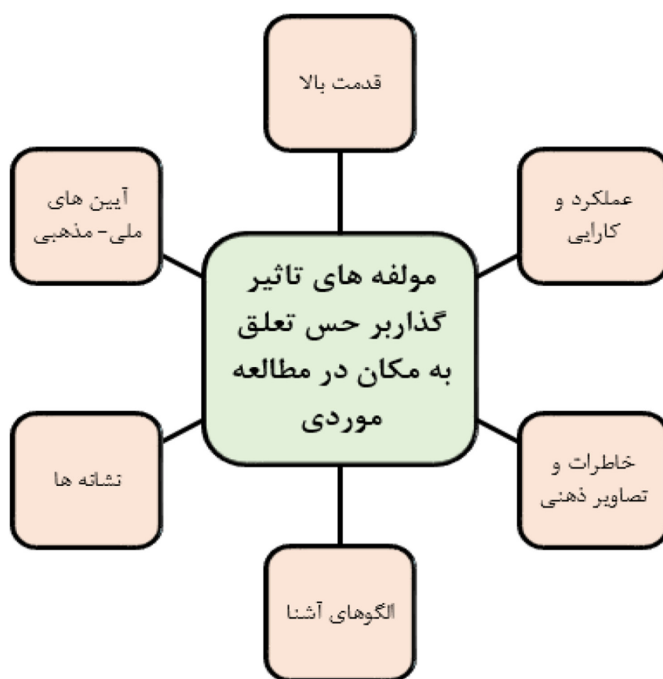
شاخصه رضایت‌مندی به لحاظ اینکه این مسیر از دسترسی بسیار خوبى از همه نقاط شهر دارا است و به دلیل کاربری‌هاى متعدد و موردنیاز شهروندان موجب رضایت‌مندی شهروندان مى‌باشد. اما به دلیل اینکه کاربری‌هاى متعددى در این بدنه موجود مى‌باشد، از لحاظ کاربرد مصالح و رنگ

## بحث

بدنه‌های شهری بخشی از حس تعلق و خاطره ذهنی شهروندان از محیط است و می‌تواند تأثیر مستقیمی در ایجاد حس تعلق مکانی شهروندان داشته باشد. وجود مؤلفه‌های دیگر مثل هویت، فرهنگ و تعاملات اجتماعی باعث تقویت حس تعلق می‌شود. همچنین قدمت و کارایی این خیابان عاملی تأثیرگذار در حس تعلق به محیط، که شامل ویژگی‌های کالبدی، هویتی، اجتماعی و عملکردی است. بدنه شهری بخشی از خاطره ذهنی انسان‌هاست و نقش مهمی در ایجاد حس تعلق دارد؛ بنابراین با طراحی صحیح جداره شهری، می‌توان حس تعلق را بالا برد.

بین فعالیت‌های اجتماعی و در بعد انتخابی و حس مکان رابطه مستقیمی وجود دارد و بین فعالیتی اجباری رابطه‌ای معکوس (ضابطیان و خیرالدین، ۱۳۹۷) در این پژوهش

با وجود اینکه فعالیت‌های این خیابان فعالیت‌های اجباری است، توانسته است فعالیت‌های اجتماعی را شکل دهد و باعث ایجاد حس تعلق به مکان شود. همچنین در این پژوهش مشخص شد جداره‌سازی، تناسبات، بافت، شکل، مصالح و رنگ تأثیرگذاری زیادی در ایجاد حس تعلق دارد که اوتابرتا و همکارانش در سال ۲۰۱۲ به نتایج مشابه رسیدند. یافته‌های این پژوهش نتایج پژوهش نیدیش و جنات را که میان کیفیت‌های بصری-زیبایی شناختی و ترجیحات کالبدی مردم با عملکردهای مورد انتظار رابطه همبستگی مثبت وجود دارد را تأیید می‌کند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که بین شاخصه اجتماعی و کالبدی رابطه همبستگی قوی وجود دارد. بدین صورت که وجود فعالیت‌های اجتماعی گسترده و کالبد فیزیکی غنی حس تعلق شهروندان را به میزان زیادی تقویت می‌کند.



نمودار ۵ مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس تعلق از نگاه شهروندان

برگزاری آیین‌های ملی - مذهبی حس تعلق به مکان را ایجاد کرده است. همچنین با مطلوب سازی بدنه‌ی خیابان، مبلمان محیطی مناسب، کف‌سازی و ساماندهی تابلوهای مغازه‌ها سبب تقویت حس تعلق به مکان می‌شود. برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش با بررسی نمونه مورد مطالعه مشخص شد که ساختارهای آشنا با فرهنگ و هویت شهروندان سبب ایجاد حس تعلق به مکان می‌شود؛ مانند قدمت تاریخی این خیابان که یادآور هویت و معماری بومی مردم هست، اتفاق می‌افتد. یک جداره شهری جدید که فاقد هویت تاریخی است می‌تواند با استفاده از الگوهای معماری بومی، حس تعلق در شهروندان را ایجاد کند. استفاده از جداره‌های شهری مرتبط با هویت و فرهنگ تاریخی و بومی برای آیین‌های ملی مذهبی مانند راهپیمایی‌ها و مراسم‌های مذهبی می‌تواند مردم را به حضور در این خیابان تشویق کند و سبب ایجاد خاطره و تصویر ذهنی برای آنها و به تبع آن باعث افزایش حس تعلق مکانی شود. ایجاد غرفه‌هایی در خیابان، کف‌سازی مناسب و وجود فضای کافی برای حضور افراد می‌تواند به این امر کمک کند. هرچه حضور افراد و تعاملات اجتماعی آنها بیشتر باشد حس تعلق به مکان تقویت می‌شود. در نهایت مؤلفه‌های هویتی - فرهنگی بیشترین تأثیر را در ایجاد حس تعلق به مکان دارد. طراحی بدنه‌های که دارای ویژگی‌های هویتی - فرهنگی بومی منطقه است حس تعلق به مکان را در شهروندان به وجود می‌آورد.

### منابع

ابراهیم نیا، وحیده و طاهره شهبازی و روح اله رحیمی (۱۴۰۱) تحلیل محیط کالبدی اثرگذار بر سرمایه اجتماعی در محلات شهر ساری. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۹(۳)، ۱۲۱-۱۴۰.

<https://doi: 10.22067/jgusd.2022.67168.0>

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین مؤلفه اجتماعی و کالبدی که در بخش مبانی نظری بررسی شده رابطه همبستگی مستقیمی وجود دارد و جداره این خیابان مورد قبول شهروندان است که دلایلی مانند کارکرد، آشنایی شهروندان، دسترسی‌ها، قدمت تاریخی بالای این خیابان، مراسمات ملی - مذهبی، خاطره و تصویر ذهنی زیادی که شهروندان از این جداره دارند باعث رضایتمندی بیشتر شهروندان شده است. (نمودار ۵)

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش که به سنجش و شناسایی دو معیار کالبدی و اجتماعی در ایجاد حس تعلق مکانی پرداخته شده، نشان داده می‌شود یک بدنه شهری قوی می‌بایست با تأکید بر رنگ، بافت، جنس، شکل و نوع متریال‌های مورد استفاده در جداره‌ها متناسب با فرهنگ، هویت، قدمت، کارایی و نوع فعالیت، باعث ایجاد تناسب در ابعاد بنا، شکل‌گیری متناسب خط آسمان و تأکید بیشتر بر بناهای شاخص شود. استفاده از این راهکارها می‌تواند زیبایی محیط را افزایش داده و حس تعلق را در شهروندان تقویت کند. بر اساس شواهد و تئوری حس مکان، ویژگی‌های شهری مرتبط با فضاهای سبز شهری و همچنین سطوح ایمنی فضاهای عمومی، حس مکان را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به اینکه حس تعلق به مکان تجربه زیسته فرد است، با افزایش محیط سبز شهری، حس تعلق به مکان توسط ادراک فردی ارتقا می‌یابد (Escola - Gascón et al., 2023). بخش کیفی این پژوهش با بررسی و تحلیل متون مبانی نظری موجود به سؤال اول پاسخ داده که در محدوده مورد مطالعه (ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل، حدفاصل شریعتی تا چهارراه امام خمینی) تعداد کاربری‌ها (وجود تمام کاربری‌های مورد استفاده شهروندان)، قدمت بالا، دسترسی مناسب و

اشرف نهند، علیرضا و خداوردی جعفری (۱۳۹۷) ارزیابی نقش زیبایی در جداره‌ها و نماهای شهری و تأثیرات آن در روان‌شناسی محیطی و آثار آن در تعاملات اجتماعی نمونه موردی بررسی: خیابان امام از چهارراه آب‌رسان تا چهارراه شریعتی تبریز، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز.

سखाوت دوست، نوشین و فریبا البرزی (۱۳۹۹) نگرشی نشانه‌شناسانه به عناصر محور تاریخی خیابان سپه قزوین و خوانش هویت مکانی آن از منظر پدیدارشناسی. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۳۰.

ضابطیان، الهام و رضا خیرالدین (۱۳۹۷) سطوح حس مکان در فضاهای شهری (نمونه موردی: میدان امام خمینی و امام حسین شهر تهران) دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۲.

خاک زند، مهدی و مریم محمدی و فاطمه جم و کوروش آقابزرگی (۱۳۹۳) شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی (نمونه موردی: خیابان ولی‌عصر (عج) شهر قشم) مطالعات شهری، ۳ (۱۰)، ۱۵-۲۶.

کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۳) شیوه‌ها، فنون و ابزار تحلیل بصری در شهر، باغ نظر، ۱۱ (۲۹)، صص ۷۱-۸۰.

طباطبایی، ملک (۱۳۹۰) جداره‌های شهری و نقش آنها در فضاهای شهری، تهران، آرمان‌شهر.

کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹) بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶.

توسلی، محمود (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و

سیمای شهر، تهران، شهیدی، صص ۳۴ و ۷۳. گلکار، کوروش (۱۳۸۵) مفهوم منظر شهری. فصلنامه آبادی، صص ۳۸-۴۷.

مطلبی، قاسم و علی فروزنده (۱۳۹۰) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هویت شهر، سال پنجم.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) مبانی نظری فرایند طراحی شهری، تهران، شهیدی، ص ۱۴۳.

آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی - خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

بهنروز، فاطمه (۱۳۷۰) بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری، جغرافیای انسانی معاصر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۲۰.

غضنفری، پیمان و آزاده آرزو (۱۳۹۷) شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و کیفی نمونه موردی: بوستان ولایت، شهرسازی، نشریه معماری‌شناسی، شماره ۲.

شاهدی، بهرام و زهرالسادات اعتضادی (۱۴۰۰) بررسی میزان تأثیرات جداره‌های شهری بر روح و روان شهروندان.

راپاپورت، اموس (۱۳۹۲) معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ سوم، تهران.

رحیمی، روح اله و فرناز رازانی (۱۴۰۱) ارزیابی رابطه مؤلفه‌های کالبدی شفافبخش محیط‌های آموزشی و سلامت روان کاربران (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران)، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۲۴ (۸)، ۱۱۵-۱۳۲.

<https://doi: 10.30495/>

[jest.2022.61216.5410](https://doi: 10.30495/jest.2022.61216.5410)



- Corbett, C. J., Hershfield, H. E., Kim, H., Malloy, T. F., Nyblade, B., & Partie, A. (2022). The role of place attachment and environmental attitudes in adoption of rooftop solar. *Energy Policy*, 162, 112764. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2021.112764>.
- Daryanto, A., & Song, Z. (2021). A meta-analysis of the relationship between place attachment and pro-environmental behaviour. *Journal of Business Research*, 123, 208-219. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2020.09.045>.
- Escola-Gascón, Á., Dagnall, N., Denovan, A., Alsina-Pagès, R. M., & Freixes, M. (2023). Evidence of environmental urban design parameters that increase and reduce sense of place in Barcelona (Spain). *Landscape and Urban Planning*, (235), 104740. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2023.104740>
- Ghaffari, L. (2014) The Possibility of Choosing Multiple Behaviors in Urban Space: A Conceptual Framework. *Soffeh*, 65 (24), 61- 78. (In Persion).
- Gifford Robert, Hine Donald W, Muller- Clemm Werner & Shaw Kelly T. (2002) Why Architects and Laypersons Judge Buildings Differently: Cognitive Properties and Physical Properties and Physical Bases, *Journal of Architectural and Planning Research*, Vol19, pp 131- 148.
- Gillespie, J., Cosgrave, C., Malatzky, C., & Carden, C. (2022). Sense of place, place attachment, and belonging-in-place in empirical research: A scoping review for rural health workforce research. *Health & Place*, 74, 102756. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2022.102756>.
- Gospodini, A. (2002) European Cities in Competition and New Uses of Urban Design. 2002. *Journal of Urban Design*, 7 (1):59- 73.
- رحیمی، روح اله و مجتبی انصاری و محمدرضا بمانیان و محمدجواد مهدوی نژاد (۱۳۹۹) ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دلبستگی به مکان در فضاهاى جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران، نشریه علمی-پژوهشی باغ‌نظر، ۱۷(۸۳)، ۱۵-۳۰. <https://doi: 10. 22034/bagh. 2020. 185425. 4107>
- رحیمی، روح اله و مجتبی انصاری و محمدرضا بمانیان و محمدجواد مهدوی نژاد (۱۳۹۹) رابطه حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: ترک‌محلّه شهر ساری) نشریه علمی- پژوهشی معماری و شهرسازی پایدار، ۸ (۱)، ۱۵- ۲۹. <https://doi: 10. 22061/jjsaud. 2020. 4618. 1364>
- دانشپور، عبدالهادی و فاطمه صفارسبزواری (۱۳۹۷) تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزواری، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، شماره ۳۳.
- شولتز، کریستین نوربری (۱۳۸۲) مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، چاپ دوم، تهران، آگه.
- بتنلی، یان، آلن الکک، پال مورین و سو مک گلین و گراهام اسمیت (۱۳۸۹) محیط‌های پاسخده، مترجم مصطفی بهزادفر، علم و صنعت.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، دانشگاه تهران.
- Boley, B.B., Strzelecka, M., Yeager, E.P., Ribeiro, M.A., Aleshinloye, K.D., Woosnam, K.M., Mimbs, B.P., Measuring Place Attachment with The Abbreviated Place Attachment Scale (APAS), *Journal of Environmental Psychology*, <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2021.101577>.

- the self, *Journal of Environmental Psychology*, vol 3, pp 57- 83.
- Rapoport, A. (1977) *Human aspects of urban form*. New York: Pergamon Press.
- Norberg- Schulz, Christan (1997) *The Phenomenon of place*, Princeton Architectural Press, New York.
- Relph, E (1976) *place and Placelessness*, Pion Limited, London.
- Altman, I & Low, S. (1992) *Place Attachment, A Conceptual Inquiry, Human Behavior and Environment*, 12, pp: 1- 12.
- Utaberta, N., Jalali, A. H., Johar, S., Surat, M. & Che- Ani, A. I. (2012) *Building Facade Study in Lahijan City, Iran: The Impact of Facade's Visual Elements on Historical Image*. *International Journal of Humanities and Social Sciences*, 6 (7), 1839- 1844.
- Jennath, K. A. & Nidhish, P. (2016) *Aesthetic judgement and visual impact of architectural forms: a study of library buildings*. *Procedia Technology*, (24), 1808-1818. Doi: 10.1016/j.protcy. 2016. 05. 226.
- Lawson, B, (2001) *The Language of Space.*, Architectural press, London.
- Shamai, S. (1991) *Sense of place: an empirical measurement*, *Israel, geoform*, Vol. 22, pp: 347- 358.
- Peng J, Strijker D and Wu Q (2020) *Place Identity: How Far Have We Come in Exploring Its Meanings?* *Front. Psychol.* 11:294. [https://doi: 10.3389/fpsyg.2020.00294](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00294).
- Rahimi, R., Ansari, M. (2020). *Recreating Place in Iranian Monuments Case Study: Hafez Garden-Tomb (1452-1936 A.D.)*. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 10(1): 62-82. [https://doi: 10.22111/IJAS.2020.6627](https://doi.org/10.22111/IJAS.2020.6627).
- Proshansky, H. M. (1978). *The City and Self-Identity*. *Environment and Behavior*, 10(2), 147-169. <https://doi.org/10.1177/0013916578102002>.
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K. & Kaminol, R. (1983) *Place- identity: physical world socialization of*